



سال دوم انسانی

۲۲ اسفندماه ۹۳

ردیف	مواد امتحانی	صفحه‌ی
۱	ادبیات و زبان فارسی (۲)	۳
۲	عربی (۲) (عادی)	۵
۳	دین و زندگی (۲)	۷
۴	زبان انگلیسی (۲)	۸
۵	اقتصاد (عادی)	۹
۶	تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱) (عادی)	۱۱
۷	تاریخ ایران و جهان (۱)	۱۲
۸	جغرافیای (۱)	۱۳
۹	جامعه‌شناسی (۱)	۱۴
۱۰	آمار و مدل‌سازی	۱۵

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ - تلفن چهار رقمی ۶۴۶۳-۰۲۱ داخلی ۱۶۵

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

ادبیات و زبان فارسی (۲)

۱-

«زهر نعتی»

عافیت: سلامت، رستگاری، پارسایی / ساقی: آبد، کسی که آب یا شراب به دیگران دهد / رندی: زیرکی، بی‌قیدی / بادیه: بیابان، صحرا، کاسه‌ی بزرگ
(صفحه‌ی ۹۱، درس ۱۲ کتاب ادبیات فارسی)

۲-

«کاو و زیری»

مینا: آبیگینه، شیشه (مینو: بهشت) / عروج: به بلندی رفتن، بالا آمدن / مجرد: غیرمادی، امری که روحانی محض باشد، آنچه منزّه از ماده باشد. / جزمیت: قطعیت و یقین
(صفحه‌های ۱۰۴ تا ۱۰۷، درس ۱۵ کتاب ادبیات فارسی)

۳-

«کاو و زیری»

واژه‌ی «زوال» در گزینہ‌ی «۴» نادرست نوشته شده است.
(صفحه‌های ۹۳ تا ۹۹ و ۱۰۴ تا ۱۰۷، درس‌های ۱۲، ۱۳ و ۱۵ کتاب ادبیات فارسی)

۴-

«زهر نعتی»

«آزادی و تربیت» اثر دکتر محمود صنّاعی و آثار سایر گزینہ‌ها از محمدعلی اسلامی‌ندوشن است.
(صفحه‌ی ۱۰۱ و ۱۰۳، درس‌های ۱۴ و ۱۵ کتاب ادبیات فارسی)

۵-

«زهر نعتی»

گذشتن از حجاب‌ها، مفهوم مشترک بیت‌های گزینہ‌های «۱»، «۲» و «۳» است. بازگردانی ابیات گزینہ‌ها:
گزینہ‌ی «۱»: برای رسیدن به مغز سخن، قشر و پوسته‌ی حرف را بشکاف. زلف‌ها، جمال بتان (زیبارویان) را می‌پوشاند.
گزینہ‌ی «۲»: تو حتّی خیال و گمانی را که کشف حجاب می‌دانی، بیفکن. چرا که همان خیال و گمان، حجاب و پوشش است.
گزینہ‌ی «۳»: غبار تنم، حجاب چهره‌ی جان می‌شود. خوشا آن دم که از آن چهره، این پرده، یعنی غبار تنم را برکنم.
گزینہ‌ی «۴»: چنین قفس سزای [مرغ] خوش‌الحانی چون من نیست. به گلشن رضوان می‌روم چرا که من، مرغ آن چمنم.
(صفحه‌ی ۹۹، درس ۱۳ کتاب ادبیات فارسی)

۶-

«منوچهر شعبانی»

اگر آتش شمع بال و پر پروانه را می‌سوزاند، پس از آن بالی زرّین به او می‌بخشد. این مفهوم در بیت صورت سؤال نیز هست که اگر امروز جانی زیان ببینی، فردا از آن زیان سود فراوان خواهی کرد.
(صفحه‌ی ۹۶، درس ۱۳ کتاب ادبیات فارسی)

۷-

«مهرردار فرزّاری»

«تفقد درویش بینوا» نوازش نیازمندان است و این که حافظ خرقه‌ی می‌آلودش را به اختیار خود نپوشیده است، تأثیر قضاو قدر را نشان می‌دهد. حسن خلق در هر دو بیت دیگر یافت می‌شود.
(صفحه‌ی ۹۲، درس ۱۲ کتاب ادبیات فارسی)

۸-

«سپهر قان‌پور»

«کمند شوق»، «آتش عشق»، «آتش هجران» و «شربت وصل» اضافی تشبیهی است. دقت کنید «کنگره» یعنی «دندان‌ها یا بلندی‌های بالای دیوارها و بلندی‌های هر چیزی». به این ترتیب در عبارت صورت سؤال «کبریا» مانند قصری دانسته شده که کنگره دارد و ترکیب «کنگره‌ی کبریا» اضافی استعاره‌ی است.
(صفحه‌ی ۹۹، درس ۱۳ کتاب ادبیات فارسی)

۹-

«مربیان مضمّنی»

چهارده هجای عبارت صورت سؤال:
مُر / غ / اِ / دَل / دِ / رِ / قَ / آ / فَ / اِ / سِ / اِ / سِ / اِ / نِ / اِ / مِ / اِ / مِ / اِ / نَا / اِ / نَد
(صفحه‌های ۸۳ و ۸۴، درس ۱۵ کتاب زبان فارسی)

۱۰-

«همید اصفهانی»

«اخترشماران درمی‌یابند».
دقت کنید استفاده از واژه‌ی «برخوردار» برای مفاهیم خوشایند و مثبت ایرادی ندارد. متن صورت سؤال تغییر یافته‌ی بندی از کتاب «برگردان روایت‌گونه‌ی شاهنامه‌ی فردوسی به نثر» نوشته‌ی استاد دبیرسیاقی است.
(صفحه‌های ۱۱۷ تا ۱۲۰، درس ۲۰ کتاب زبان فارسی)

۱۱-

(گاو و وزیر)

در مصراع «صلاح کار کجا و من خراب کجا»، شاعر بین «صلاح کار» و خودش فاصله انداخته است: صلاح کار با من خراب میانه‌ای ندارد.

(صفحه‌ی ۱۰۶، درس ۱۸ کتاب زبان فارسی)

۱۲-

«سپهر فان پور»

صفات شمارشی ابیات صورت سؤال:

یک مبارز / یک کاردان / صد کرامت / صد کفایت / یک داستان

دقت کنید در جمله‌ی «عمرش چون عمر مصطفی شصت‌وسه بود»، «شصت‌وسه» خود مسند است، یعنی اصلاً وابسته نیست که صفت شمارشی باشد.

(صفحه‌ی ۱۰۳، درس ۱۸ کتاب زبان فارسی)

۱۳-

«همیر اصفوانی»

«ترسان» در بیت گزینه‌ی «۲» واژه‌ای به ساختار «بن مضارع + پسوند» است و صفت فاعلی است. دقت کنید «بدخواه» و «زردرنگ» در بیت گزینه‌ی «۱» و «دوست‌دار» در بیت گزینه‌ی «۴» ساختمان صفت بیانی مرکب دارند.

(صفحه‌ی ۱۰۴، درس ۱۸ کتاب زبان فارسی)

۱۴-

«همیر اصفوانی»

«ای پادشاه عادل و سلطان گنج‌بخش» و «ملکا» در ابیات «الف» و «ج» منادا و شبه جمله است.

(صفحه‌های ۱۱۸ و ۱۱۹، درس ۲۰ کتاب زبان فارسی)

۱۵-

«همیر اصفوانی»

بازگردانی بیت صورت سؤال: نرگس بیمار گشت تا مانند چشم تو گردد، شیوه‌ی او برایش حاصل نشد و بیمار بماند.

بیت چهار فعل و نتیجتاً چهار جمله دارد و واژه‌های «بیمار» در جمله‌های آن مسند است. در بیت «نرگس» و «چشم یار» به هم تشبیه شده‌اند و شخصیت‌بخشی به «نرگس»، استعاره دارد. اما مرجع ضمیر «او» در این بیت، «چشمان معشوق» است، نه خود معشوق. دقت کنید در این بیت، برای «چشمان» ضمیر «او» به کار رفته است.

(صفحه‌های ۱۱۴ و ۱۱۷، درس‌های ۱۹ و ۲۰ کتاب زبان فارسی)

۱۶-

«زهر اقمی»

بازگردانی بیت صورت سؤال:

هر کس در حکمت سلیمان شک کند، مرغ و ماهی بر عقل و دانش او می‌خندند.

در این بیت، «سلیمان» شناس است و «حکمت» نیز به این سبب که مضاف‌الیه شناس دارد، شناس است. «مرغ» در این بیت به معنای «پرنده»، اسمی است که بدون هیچ نشانه‌ی خاصی به کار رفته است و اسم جنس است.

(صفحه‌ی ۸۹، درس ۱۶ کتاب زبان فارسی)

۱۷-

«سراسری ۸۷»

«جامه‌دران رسیدن گل» تشخیص است و هر تشخیص، استعاره. «جامه‌دریدن» نیز کنایه از «بی‌صبری» و «ناشکیبایی» است. در این بیت، «بو» در دو معنای «رایحه» و «آرزو» ایهام دارد.

(صفحه‌های ۹۳ و ۹۴، درس ۱۲ کتاب ادبیات فارسی)

۱۸-

«سراسری ۸۷»

در بیت صورت سؤال شاعر ادعا می‌کند بهشت و حور و روضه را رها می‌کند و فقط یار را می‌جوید. در بیت گزینه‌ی «۳» نیز شاعر مدعی است در سرای یار را حتی به بهای هشت بهشت واگذار نمی‌کند.

(صفحه‌ی ۹۱، درس ۱۲ کتاب ادبیات فارسی)

۱۹-

«آزمون ۸ اسفند ۹۳، سؤال ۶»

مفهوم بیت صورت سؤال و ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳»، «فاش شدن راز» است، اما مفهوم بیت گزینه‌ی «۴»، «نگفتن راز به دیگران» است.

(صفحه‌ی ۹۲، درس ۱۲ کتاب ادبیات فارسی)

۲۰-

«آزمون ۸ اسفند ۹۳، سؤال ۷»

معنای عبارت صورت سؤال:

«دنیا جایگاه حضور خداوند است. در حضورش معصیت نکنید.»

(صفحه‌های ۹۶ و ۹۹، درس ۱۳ کتاب ادبیات فارسی)



عربی (۲) (عادی)

۲۱-

(اممر طریقی، ترکیبی)

«لَمْ يَكُنْ يَسْمَعُ»: اجازه نمی‌داد (فعل ماضی استمراری منفی) / «أَنْ تُوضَعَ قِلَادَةٌ»: که گردنبندی نصب شود (تَوْضَعُ: فعل مضارع مجهول است.) / «فِي عُنُقِهِ»: در گردن او / «حَتَّى تَحْفَظَهُ مِنَ الشَّرِّ»: تا این که او را از بدی‌ها حفظ کند / «لِلْأَنَّةِ»: برای این که او / «مَا كَانَ يَعْتَقِدُ»: اعتقاد نمی‌داشت، معتقد نمی‌بود / «بِفَائِدَةِ هَذَا الْعَمَلِ»: به فایده‌ی این کار

۲۲-

(مهیبر همایی، ترکیبی)

در این عبارت ضمیر «نا» در ترجمه نیامده است و صحیح آن «دانشمندان ما» می‌باشد.

۲۳-

(حسین رضایی، صفحه‌ی ۹۶)

«کانت...تطلب»: می‌خواست، «أُمَّنَا»: مادرمان، «دائماً»: همواره، همیشه، «أَنْ نَقْرَأَ»: که بخوانیم، «دروسنا»: درس‌هایمان، «نعملُ بـ»: (در این جا) انجام دهیم، «واجباتی المدرسیة»: تکالیف مدرسه‌ای‌مان

توضیح نکات درسی:

(۱) کان + فعل مضارع ← ماضی استمراری فارسی

(۲) أن + فعل مضارع ← مضارع التزامی فارسی

۲۴-

(ابوالفضل تاپیک، ترکیبی)

مادران: «الأمهات»، نسل‌های آینده: «الأجيال القادمة»، تربیت می‌کنند: «يُربِّينَ»، دشمنان: «الأعداء»، فکر حمله کردن... نکنند: (در این جا) «حَتَّى لَا يُفَكِّرَ فِي الْهَجُومِ»، سرزمینشان: «بلادهم»

۲۵-

(علی اصغر جلیلی فرور، ترکیبی)

نازل کردیم: «أنزلنا»، شاید: «لعلَّ»، اندیشه کنید: «تعتلون»

توضیح نکات درسی:

اگر خبر لیت و لعل فعل مضارع باشد، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

۲۶-

(مراهانه صهرایی، ترکیبی)

ترجمه‌ی قسمت اول گزینه‌ی «۴»، «دنیا زندان مؤمن و بهشت کافر است» ابتدا با معنای قسمت دوم این گزینه: «دنیا مزرعه‌ی آخرت است» متناسب نیست، چون قسمت اول به «دل نیستن مؤمن به دنیا و اسیر دنیا شدن کافر» اشاره دارد و قسمت دوم تأکید بر «انجام عمل صالح در دنیا به‌عنوان ذخیره‌ی آخرت» دارد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: هر دو قسمت بر نقش زن و مادر در تربیت انسان‌های جامعه اشاره دارد.

گزینه‌ی «۲»: هر دو قسمت بر توشه انداختن برای آخرت تأکید دارد.

گزینه‌ی «۳»: هر دو قسمت بر همراهی قول و عمل تأکید دارد.

ترجمه‌ی متن:

در همه‌ی منابع علمی اروپایی مشهور است که اسحاق نیوتون جاذبه را کشف کرده است؛ ولی واقعیت این است که دانشمندان مسلمان، این قانون را قرن‌ها پیش از او کشف کرده بودند. پس قانون جاذبه گویا نزد این دانشمندان شناخته شده بود، زیرا ما می‌خوانیم که بسیاری از آن‌ها مانند بیرونی و ابن سینا و نصیرالدین طوسی موضوع جاذبه را در بررسی‌ها و تألیفاتشان تحت عنوان «نیروی طبیعی» مطرح کرده‌اند. ای کاش مسلمانان از خواب غفلت بیدار شوند و مشعل هدایت را دوباره به دست‌هایشان بگیرند، شاید آن‌ها بزرگی و عزتشان را دوباره بازیابند. «اگر خداوند بلندمرتبه بخواهد.»

۲۷-

(مریم آقاییاری، ترکیبی)

طبق متن، قانون جاذبه به دست مسلمانان (دانشمندان مسلمان) کشف شد.

۲۸-

(مریم آقاییاری، ترکیبی)

«قانون جاذبه نزد مسلمانان به نیروی طبیعی معروف بود.» که طبق متن، صحیح است.

ترجمه‌ی گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: «دانشمندان ما قبل از نیوتون قانون جاذبه را نمی‌شناختند.»

گزینه‌ی «۳»: «بیرونی در بررسی‌هایش این قانون را به ابن سینا یاد داد.»

گزینه‌ی «۴»: «مسلمانان بزرگی و عزتشان را در قرن اخیر، دوباره بازیافتند.»

۲۹-

(مریم آقاییاری، ترکیبی)

حرکت‌گذاری صحیح کل عبارت این چنین است:

«لَيْتَ الْمُسْلِمِينَ يَسْتَيْقِظُونَ مِنْ نَوْمِ الْغَفْلَةِ وَ يَأْخُذُونَ مَشْعَلَ الْهِدَايَةِ بِأَيْدِيهِمْ مِنْ جَدِيدٍ.»

۳۰-

(مریم آقاییاری، ترکیبی)

«اِكْتَشَفُوا» فعل ماضی، صیغه‌ی للغائبین، ثلاثی مزید از باب «افتعال»، مبنی، معلوم، متعدی و از نظر اعراب، فعل و فاعلش ضمیر بارز «او» است.

۳۱-

(مریم آقاییاری، ترکیبی)

«معرفاً» اسم، مفرد، مذکر، مشتق (اسم مفعول)، نکره، معرب، منصوب، صحیح‌الآخر و از نظر اعراب، خبر «کان» و منصوب است.

۳۶-

(سنهش ۸۳، صفحه‌ی ۸۵ کتاب درسی)

«مرآت» (مفردش: مرّة) مؤنث است، بنابراین عدد (۴) برای آن باید به صورت مذکر بیاید، نه مؤنث؛ «أربع مرآت».

۳۲-

(مهمد ابراهیمی، صفحه‌ی ۸۴)

معدود اعداد (۱۰-۳) از نظر جنس مخالف عدد است که در این گزینه رعایت نشده و در واقع «ثلاثة أيام» صحیح است.

۳۷-

(کنکور سراسری ۸۴ (با تغییر)، صفحه‌های ۹۴، ۹۵، ۱۰۲ و ۱۰۳ کتاب درسی)

«تکون» از افعال ناقصه و اسم آن ضمیر مستتر «هی» و خبر آن «مصباحاً» است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه‌ی «۲»، «بحسبونی» به صورت جمع آمده و نادرست است. در گزینه‌ی «۳»، «أکسب» به صورت متکلم وحده آورده شده که با ضمیر «نا» در «لسنا» هماهنگی ندارد و در گزینه‌ی «۴»، «متوکلأً» خبر «أصبحتم» است و باید با ضمیر «تم» که جمع مذکر است، مطابقت کند. (متوکلین)

۳۳-

(مهمد تقی بابائیان، صفحه‌ی ۱۰۶)

در جای خالی اول به مفعول به نیاز داریم که منصوب است و در جای خالی دوم به فاعل نیاز داریم که مرفوع است، پس «الله - العُلَمَاءُ» صحیح هستند.

۳۸-

(سنهش ۸۳، صفحه‌ی ۹۴ و ۹۵ کتاب درسی)

فعل ناقص، «أصبحن» است که ضمیر بارز «ن» اسم آن و خبرش «مدیرات» است.

نگاه به گذشته:

۳۹-

(اهمدمطریق، ترکیبی)

«مریم» نادرست است، زیرا اسم غیرمنصرف است و تنوین نمی‌گیرد (مریم). «سورة» نادرست است، زیرا معدود اعداد «۱۰-۳» باید به صورت جمع و مجرور بیاید (سُورٍ). «مدارس» نادرست است، زیرا با وجود غیرمنصرف بودن، چون مضاف واقع شده است، می‌تواند حرکت کسره را بپذیرد (مدارس).

۳۴-

(مفید همایی، صفحه‌های ۹۴، ۹۵، ۱۰۲ و ۱۰۳)

«ذا» درست است، زیرا خبر فعل ناقص و منصوب با اعراب فرعی «الف» است. (اسم

۴۰-

(مهمد ابراهیمی، صفحه‌ی ۹۵)

در این گزینه «بِزْرَعٍ فِي الْمَرْعَةِ» خبر جمله است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «بارداً» ← خبر از نوع مفرد

گزینه‌ی «۲»: «متقدّمین» ← خبر از نوع مفرد

گزینه‌ی «۳»: «فِي الْمَرْعَةِ» ← خبر شبه‌جمله

۳۵-

(کنکور سراسری ۸۲، صفحه‌ی ۸۵ کتاب درسی)

معدود «خمس» (۵) باید جمع و مجرور باشد، بنابراین «بطاقات» صحیح است.



دین و زندگی (۱)

۴۱-

«هامر دورانی»

بالاترین مرتبه‌ی نعمت‌های بهشت لقاء و دیدار خداست.

(صفحه‌های ۱۹ و ۹۰ کتاب درسی)

۴۲-

«ثمین پراغی»

در آیه‌ی ۷۱ سوره‌ی زمر، نگرهبانان جهنم وظایف پیامبران را خواندن آیات پروردگار بر مردم و انداز آنان از روز قیامت می‌دانند «یتلون علیکم آیات ربکم و یسذرونکم لقاء یومکم هذا».

دوره‌ی نوجوانی و جوانی دوره‌ی تصمیم‌های بزرگ است، از این رو، در این دوره نیلای شدیدتری بر توکل و اعتماد بر خداوند حس می‌شود.

(صفحه‌های ۸۵ و ۸۶ کتاب درسی)

۴۳-

«سیر امان هنری»

از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی «... هل هن کاشفات ضره...»، پاسخ به سؤال چرا به غیر خدا نمی‌توان توکل کرد، مفهوم می‌گردد.

(صفحه‌های ۱۰۴ و ۱۰۵ کتاب درسی)

۴۴-

«ثمین پراغی»

خداوند حکیمی که جهان را تدبیر و اداره می‌کند از هر کسی به ما مهربان‌تر است. اوست که آسمان‌ها و زمین را خلق کرده و در نتیجه بهترین تکیه‌گاه برای انسان می‌باشد. (قل حسبی الله...) این مفهوم با آیه‌ی شریفه‌ی «الیس الله بکافی عبده» قرابت معنایی دارد.

(صفحه‌های ۱۰۳، ۱۰۲ و ۱۰۵ کتاب درسی)

۴۵-

«ثمین پراغی»

آیه‌ی شریفه‌ی «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظاً...» بیان‌کننده‌ی چند مفهوم است:

(۱) نرم و مهربان شدن پیامبر اسلام (ص) به (برکت) رحمت الهی بوده است.

(۲) در صورت سنگدل و درشت‌خو بودن پیامبر (ص) مردم از اطراف وی پراکنده می‌شدند.

(۳) این آیه به رابطه‌ی میان توکل و عزم اشاره دارد و به نوعی بیان‌کننده‌ی این مفهوم است که توکل علت تحرک می‌باشد.

(۴) توکل بر خدا و اعتماد بر او از مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده‌ی عزم است و مفهوم توکل بر خداوند به مرحله‌ی تجدید عهد اشاره دارد.

(صفحه‌های ۱۰۳، ۱۰۲ و ۱۰۹ کتاب درسی)

۴۶-

«فرامرز روح الهی»

ترجمه‌ی آیه‌ی ۴ سوره‌ی ممتحنه: «همانا که برای شما نمونه‌ی نیکویی بود در روش ابراهیم و همراهان او آن‌گاه که به قوم خود گفتند به حقیقت که ما از شما بیزاریم و از آن چه جز خدا می‌پرستید نسبت به شما کافریم و آشکار شد میان ما و شما دشمنی و کینه برای همیشه مگر اینکه به خدای یگانه ایمان آورید.»

هم‌چنین این آیه به مبارزه با دشمنان خدا اشاره دارد.

(صفحه‌های ۱۱۳ و ۱۱۹ کتاب درسی)

۴۷-

«عباس سیرشبستری»

قرآن کریم اساس و پایه‌ی دین‌داری را محبت و دوستی با خداوند قرار می‌دهد و می‌فرماید: «و من الناس من یتخذ من دون الله انداداً...»

(صفحه‌های ۱۱۳، ۱۱۶ و ۱۱۹ کتاب درسی)

۴۸-

«علی شلفی»

آیه‌ی «لا تجد قوماً یؤمنون بالله و البیوم الآخر یوادون من حاد الله و رسوله: مردمی را نیابی که به خدا و روز آخرت ایمان آورند در حالی که دوستی کنند با کسانی که با خدا و رسولش دشمنی کرده‌اند.» با عبارت «دین‌داری گرچه با دوستی خدا آغاز می‌شود، اما تنفر از ضد او را به دنبال دارد.» تناسب دارد و آیه‌ی «و من الناس من یتخذ من دون الله انداداً: بعضی از مردم همتایانی به جای خدا می‌گیرند.» با جمله‌ی «عشق به خدا چون اکسیری است که...» هم‌مفهوم است.

(صفحه‌های ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷ و ۱۱۹ کتاب درسی)

۴۹-

«کتاب آبی»

با استناد به کلام امام صادق (ع) تأثیرناپذیری انسان از قیام و خیزش همه‌ی آسمان‌ها و زمین (توطئه‌ی آسمان‌ها و زمین علیه انسان)، زمانی است که انسان، «با نیت خالص به خداوند پناه برد» یعنی، (حقیقت توکل بر خداوند) محقق شده باشد. هم‌چنین استفاده از ابزار و اسباب در راستای راهیابی به نیازها و خواسته‌ها و بهره‌جستن از آن‌ها، بنا بر حکمت الهی قرار داده شده و بی‌توجهی به آن‌ها، بی‌توجهی به حکمت و علم الهی است.

(صفحه‌های ۱۰۵ و ۱۰۷ کتاب درسی)

۵۰-

«کتاب آبی»

ترجمه‌ی آیه‌ی ۷۴ سوره‌ی زمر: و گویند ستایش خدای که وعده‌اش را بر ما راست گردانید و زمین را به ما میراث داد که در بهشت جای گیریم در هر جای که بخواهیم پس چه نیک است پاداش عمل‌کنندگان.

(صفحه‌های ۸۶ و ۸۹ کتاب درسی)

زبان انگلیسی (۱)

۵۱-

«شهرار مهبوبی»

قبل از اسامی برنامه‌های خاص تلویزیونی (کودک، اخبار، موسیقی، فیلم و ...) حرف تعریف مشخص "the" به کار برده می‌شود.

Have you seen the children's program?

(صفحه‌ی ۴۵ کتاب درسی، درس ۵)

۵۲-

«افر بهمرام»

در جمله‌های شرطی نوع اول، در قسمت بند شرط (بعد از "if") از زمان حال ساده و در قسمت جواب شرط از زمان آینده‌ی ساده استفاده می‌شود.

(صفحه‌های ۷۳ و ۷۴ کتاب درسی، درس ۶)

۵۳-

«علی رضوانی پور»

ترجمه‌ی جمله: «همسرش به او آموزش داد تا چه‌طور از کتاب آشنایی استفاده کند، بنابراین او هرگز دوباره گرسنه نماند.»

(گرسنه ماندن = "go hungry")

(۳) صدمه‌زدن، آسیب رساندن

(۲) نشستن

(۴) نوشیدن

(صفحه‌ی ۵۸ کتاب درسی، درس ۵)

۵۴-

«شهرار مهبوبی»

ترجمه‌ی جمله: «ما زمانی که آنجا رسیدیم، اول فیلم را از دست داده بودیم، بنابراین خیلی ناراحت شدیم.»

(۲) قول دادن

(۱) از دست دادن

(۴) به نظر رسیدن

(۲) ترجیح دادن

(صفحه‌ی ۶۷ کتاب درسی، درس ۵)

۵۵-

«شهرام کریم‌زاده»

ترجمه‌ی جمله: «توبوس پر بود، بنابراین مجبور بودیم منتظر (توبوس) بعدی بمانیم.»

(۲) بزرگ

(۱) پر

(۴) حاضر

(۲) زود

(صفحه‌ی ۵۸ کتاب درسی، درس ۵)

۵۶-

«علی رضوانی پور»

ترجمه‌ی جمله: «او همیشه بدون پرسش از والدینش اطاعت کرده بود.»

(۱) تحسین کردن

(۲) شروع کردن

(۳) احساس کردن

(۴) اطاعت کردن

(صفحه‌ی ۷۴ کتاب درسی، درس ۶)

۵۷-

«افر بهمرام»

ترجمه‌ی جمله: «مکزیکوسیتی شهر شلوغی است و جمعیتی حدود ۲۰ میلیون نفر دارد.»

(۱) درخواست

(۲) جمعیت

(۳) تاریخ

(۴) دانش

(صفحه‌ی ۶۶ کتاب درسی، درس ۵)

۵۸-

«شهرار مهبوبی»

ترجمه‌ی جمله: «به مسافران هندوستان توصیه می‌شود قبل از رفتن در مقابل بیماری واکسینه شوند.»

(۱) دارو، پزشکی

(۲) قانون

(۳) دلیل، علت

(۴) بیماری

(صفحه‌ی ۷۲ کتاب درسی، درس ۶)

۵۹-

«کتاب آبی»

ترجمه‌ی جمله: «برای تهیه‌ی بلیط‌ها پول اضافی نداریم. همه‌ی آن را برای خرید لباس خرج کرده‌ایم.»

(۱) بی‌رحم

(۲) مسطح

(۳) اضافی

(۴) کامل

(صفحه‌ی ۷۱ کتاب درسی، درس ۶)

۶۰-

«کتاب آبی»

ترجمه‌ی جمله: «نمی‌خواهم باعث زحمت شوم، اما آیا می‌توانید این نامه را برایم تایپ کنید؟»

(۱) پیشنهاد دادن

(۲) زحمت دادن

(۳) حدس زدن

(۴) صرف کردن، گذراندن

(صفحه‌ی ۷۱ کتاب درسی، درس ۶)



اقتصاد (عادی)

۶۱-

(علی نوری، صفحه‌ی ۹۰)
در اغلب موارد، دستیابی به توسعه نیازمند داشتن رشد است. نکته‌ی قابل توجه دیگر، این است که نتایج حاصل از رشد را می‌توان در کوتاه‌مدت مشاهده کرد اما نتایج حاصل از توسعه ممکن است در زمان طولانی‌تری حاصل شود.

۶۲-

(مهری کاردران، صفحه‌ی ۸۹ و ۹۰)
الف) افزایش سطح زیر کشت ← رشد
ب) افزایش تولید ناشی از به‌کارگیری فناوری برتر ← رشد
ج) تأسیس کارخانه‌های جدید ← رشد
د) گسترش و توسعه‌ی مراکز تولیدی فعلی ← رشد
«رشد» صرفاً به معنای افزایش تولید است و بنابراین، مفهومی کمی است.
«توسعه» در کنار افزایش تولید بر تغییرات و تحولات کیفی دیگری نیز دلالت دارد و از این رو، آن را می‌توان یک مفهوم کمی - کیفی دانست.

۶۳-

(سارا شریفی، صفحه‌ی ۹۷ و ۹۸)
 $\frac{25}{5} = 5$ = شاخص توزیع درآمد در کشور A
شاخص توزیع درآمد در کشور A، برابر ۵ است. برای آن که شاخص توزیع درآمد در کشور B عادلانه‌تر از کشور A گردد، باید شاخص توزیع درآمد در این کشور از عدد ۵ کم‌تر باشد. اگر سهم دهک دهم در کشور B برابر با ۳۵ درصد باشد، شاخص توزیع درآمد این کشور با کشور A برابر می‌شود. بنابراین سهم دهک دهم از درآمد ملی در کشور B باید از ۳۵ درصد کوچک‌تر باشد تا وضعیت توزیع درآمد در کشور B عادلانه‌تر از کشور A گردد.

۶۴-

(علی نوری، صفحه‌ی ۹۷ و ۹۸)
کاهش فقر از طریق توزیع عادلانه‌تر درآمد، انگیزه‌ی مادی و روانی نیرومندی برای جلب مشارکت گسترده‌ی همگان در فرایند توسعه فراهم می‌آورد.
اصلاح ساختار توزیع درآمد و عادلانه‌تر کردن آن و مقابله با فقر، مستلزم بهبود وضعیت اقتصادی به ویژه در زمینه‌ی تولید صنعتی است.

۶۵-

(زهره مومنی، صفحه‌ی ۹۷ و ۹۸)
 $5 = 3 -$ سهم دهک چهارم $\Rightarrow 5 =$ سهم دهک اول - سهم دهک چهارم
درصد ۸ = سهم دهک چهارم \Rightarrow
 $2 = 7/5 -$ سهم دهک پنجم $\Rightarrow 2 =$ سهم دهک سوم - سهم دهک پنجم
درصد ۹/۵ = سهم دهک پنجم \Rightarrow
 $1 = 12 -$ سهم دهک نهم $\Rightarrow 1 =$ سهم دهک هفتم - سهم دهک نهم
درصد ۱۳ = سهم دهک نهم \Rightarrow
 $6/5 = 11 -$ سهم دهک دهم $\Rightarrow 6/5 =$ سهم دهک ششم - سهم دهک دهم
درصد ۱۷/۵ = سهم دهک دهم \Rightarrow

۶۶-

(رامین فکری‌کیا، صفحه‌ی ۱۰۳)
امروزه برخی از کارشناسان و تحلیل‌گران به این باور رسیده‌اند که کشورهای در حال توسعه در مراحل اولیه‌ی توسعه به حضور دولتی کارآمد و مقتدر که با جدیت چرخ‌های اقتصاد را به حرکت درآورد، نیازمندند.

۶۷-

(رامین فکری‌کیا، صفحه‌ی ۱۰۷)
در دهه‌ی دوم عمر انقلاب اسلامی، دولت با هدف کاهش ابعاد فعالیت خود در اقتصاد و دادن آزادی عمل بیش‌تر به بخش خصوصی، تلاش‌هایی را آغاز کرد.

۶۸-

(علی نوری، صفحه‌ی ۱۰۱)
طرفداران اقتصاد آزاد معتقدند که دولت با دخالت در اقتصاد سبب گسترش ناکارایی و کاهش تحرک بخش خصوصی می‌شود. آن‌ها به هم‌زمانی دوران انقلاب صنعتی و حاکمیت و گسترش اندیشه‌ی اقتصاد آزاد اشاره می‌کنند و می‌گویند جوامع غربی فقط زمانی توانستند حرکت به سمت توسعه را شروع کنند که دخالت دولت در اقتصاد محدود شد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۴»: مربوط به دیدگاه طرفداران مداخله‌ی دولت است.

۶۹-

(زهره مومنی، صفحه‌ی ۱۰۳ تا ۱۰۵)
زمانی که جوامع اروپایی با پشت سر گذاشتن مراحل اولیه‌ی انقلاب صنعتی، در مسیر توسعه و پیشرفت‌های سریع قدم برمی‌داشتند، ایران به‌دلیل شرایط خاص اجتماعی - سیاسی خود در مسیری نامناسب قرار گرفت و مدت‌ها از توسعه و تحول بازماند.

۷۰-

(سپهر حسن‌خان‌پور، صفحه‌ی ۱۰۶)
برخی از وابستگان دربار در ماه‌های آخر حکومت پهلوی، با استقراض از بانک‌ها بسیاری از ذخایر کشور را به خارج منتقل کردند و خود نیز گریختند و در نتیجه، پس از انقلاب کارخانه‌های آنان به تملک بانک‌ها و دولت درآمد.



۷۱-

(علی نوری، صفحه‌ی ۱۱۰)

مشکلات مبادله‌ی پایاپای: الف) عدم تمایل هم‌زمان دو طرف به مبادله ب) نبودن یک معیار سنجش ارزش پ) نبود وسیله‌ی پس‌انداز فردی.

۷۲-

(سپهر حسن‌فان‌پور، صفحه‌ی ۱۱۱)

در تبت چای، در هندوستان صدف، در روسیه پوست سمور و در ایران غلات خواهان بیش‌تری داشت.

۷۳-

(سپهر حسن‌فان‌پور، صفحه‌ی ۱۱۴)

مردم در گذشته در برخی مناطق، پول‌های خود را به تجار یا صرافان معتبر می‌سپردند و در مقابل، رسید دریافت می‌کردند. این رسیده‌ها در واقع نخستین اسکناس‌ها بودند و پشتوانه‌ی آن‌ها، طلا و نقره‌ای بود که نزد صرافان و بازرگانان نگهداری می‌شد.

۷۴-

(آرمان اررلان، صفحه‌ی ۱۱۳)

انتخاب پول فلزی موجب گسترش تجارت در داخل کشورها و بین‌ملتها شد و فعالیت‌هایی از قبیل دریانوردی و حمل‌ونقل را نیز رونق بخشید.

۷۵-

(کنگور سراسری ۸۸، صفحه‌ی ۹۲ کتاب درسی)

معمولاً شاخص رشد با شاخص توسعه هماهنگ است؛ به‌طور مثال، سطح پایین توسعه در موزامبیک با سطح پایین رشد در این کشور هماهنگی دارد. البته دو گروه از کشورها استثناً محسوب می‌شوند: ۱- تعداد معدودی از کشورها که با داشتن یک ماده‌ی گران‌بهای معدنی مانند نفت امکان دسترسی به درآمد سرانه‌ی بالا را دارند. ۲- تعدادی از کشورهای در حال توسعه مانند چین که با اجرای برنامه‌های بلندمدت، شاخص‌های توسعه‌ی خود را بهبود نسبی بخشیده‌اند، با وجود این‌که درآمد سرانه‌ی پایین دارند.

امید به زندگی در ژاپن ۸۲ سال، تولید ناخالص داخلی سرانه در چین در حدود ۱۹۰۰ دلار در سال و نرخ بی‌سوادی در موزامبیک ۵۲/۲ درصد است.

۷۶-

(کنگور سراسری ۸۷، صفحه‌ی ۹۵ کتاب درسی)

بر اساس یک اصل اقتصادی، در گروه‌های «بالای درآمدی» در مقایسه با «افراد کم‌درآمد»، «میل نهایی به مصرف» کم‌تر و در نتیجه «میل نهایی به پس‌انداز» بیش‌تر است.

۷۷-

(کنگور سراسری ۸۶، صفحه‌های ۱۰۱ و ۱۰۲ کتاب درسی)

استدلال گروه طرفداران مداخله‌ی دولت در توسعه‌ی اقتصادی جوامع به‌طور خلاصه به شرح زیر است:

کشورهای توسعه‌یافته‌ی امروزی زمانی حرکت خود را به سمت توسعه آغاز کردند که در عرصه‌ی صنعت، تجارت، علم و اندیشه و تحولات اجتماعی رقیب نداشتند. در مراحل بعدی که فاصله‌ی کشورهای توسعه‌یافته با کشورهای دیگر، از نظر صنعت و ثروت بیش‌تر شد، پیشرفت آن‌ها شتاب بیش‌تری گرفت؛ برعکس، کشورهای در حال توسعه‌ی امروزی، زمانی قدم در راه توسعه گذاشتند که از همان ابتدا رقیبان بزرگ و پرقدرتی را در کنار خود داشته‌اند.

۷۸-

(کنگور سراسری ۸۹، صفحه‌ی ۱۱۴ و ۱۱۵ کتاب درسی)

بانک‌ها با وام دادن بخشی از پول‌هایی که متعلق به دیگران ولی نزد آنان است، «پول جدید» یا «پول بانکی» خلق می‌کنند. به بیان دیگر، به اعتبار بخشی از پول‌های صاحبان سپرده‌ها، پول جدیدی را در اقتصاد خلق می‌کنند که به آن «پول تحریری یا ثبتی» گفته می‌شود.

نگاه به گذشته:

۷۹-

(سارا خربچی، صفحه‌ی ۹۰ و ۹۱)

رشد به‌معنای افزایش تولید است؛ پس بهترین معیار برای سنجش آن، شاخص‌های تولید کل جامعه مثل درآمد سرانه یا تولید ناخالص داخلی (به قیمت ثابت) و میزان رشد آن‌هاست. اگر درآمد سرانه را در حکم معیار سنجش رشد در نظر بگیریم، امکان مقایسه‌ی جوامع مختلف با تعداد جمعیت متفاوت فراهم می‌شود. بنابراین کشور A رشد بیش‌تری نسبت به کشور B و C داشته است. توسعه علاوه بر افزایش تولید کمی، تغییرات کیفی را نیز در نظر می‌گیرد؛ بنابراین، برای تعیین آن استفاده از شاخص درآمد سرانه به‌تنهایی نادرست به‌نظر می‌رسد.

۸۰-

(سپهر حسن‌فان‌پور، صفحه‌ی ۱۰۲)

به اعتقاد طرفداران مداخله‌ی دولت در اقتصاد، بر خلاف تصور رایج، حرکت توسعه‌ی کشورهای توسعه‌یافته‌ی امروزی کاملاً بدون دخالت دولت‌ها و به عبارت دیگر، بر اساس اصل آزادی اقتصادی نبوده است. برای مثال، نقش دولت آلمان در جریان توسعه‌ی این کشور در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم بسیار محسوس و مشهود است.



تاریخ ادبیات ایران و جهان (۱) (عادی)

۸۱-

(ابراهیم رضایی مقدم، صفحه‌ی ۱۲۱)

برخی از مواد و فصول کتاب کلیله و دمنه را به دستور انوشیروان از هندوستان به ایران آوردند و با افزوده‌هایی به پهلوی ترجمه کردند. در قرن دوم هجری، ابن مقفع این بخش‌ها را به عربی ترجمه کرد و در زمان سامانیان رودکی آن را به شعر فارسی درآورد.

۸۲-

(مرتضی قشمی، صفحه‌ی ۱۱۹ تا ۱۲۱)

شمس قیس رازی، مؤلف کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم، در دهه‌ی نخستین سده‌ی هفتم می‌زیسته است. کتابش مشتمل بر دو بخش است: بخش اول در فن عروض و بخش دوم در علم قافیه و نقد شعر.

۸۳-

(حسن روزبیکر، صفحه‌ی ۱۱۵)

حکمة‌الاشراق به زبان عربی است که اخیراً به فارسی ترجمه شده است.

۸۴-

(اعظم نوری‌نیا، صفحه‌ی ۱۰۳ و ۱۰۶)

بیش‌ترین شهرت انوری به قصاید اوست که عموماً در سه مضمون، یعنی ستایش شاهان و بزرگان، وصف طبیعت و هجو دشمنان و مخالفان است.

۸۵-

(مهم‌رضا یوسفی، صفحه‌ی ۱۳۸ و ۱۳۹)

خاقانی شاعر قرن ششم هجری است که حاصل این سفر سیاحتی - زیارتی برای خاقانی منظومه‌ی معروف تحفة‌العراقین است و شاید بتوان آن را کهن‌ترین و مهم‌ترین سفرنامه‌ی منظوم حج در زبان فارسی دانست.

۸۶-

(اعظم نوری‌نیا، صفحه‌ی ۱۰۸ و ۱۰۹)

برجسته‌ترین و نامدارترین چهره‌ی شعر و ادب فارسی اصفهان در سده‌ی ششم هجری، جمال‌الدین محمد بن عبدالرزاق اصفهانی است.

۸۷-

(سیریمال طباطبایی نژاد، صفحه‌ی ۱۲۰ و ۱۲۳)

نظامی عروضی سمرقندی کتاب چهار مقاله با مجمع‌التوادر را نوشته است نه نظامی گنجوی.

۸۸-

(اعظم نوری‌نیا، صفحه‌ی ۱۵۴ تا ۱۵۶)

«مجالس سبعة»، در اصل عبارت است از هفت مجلس (خطابه) که جلال‌الدین در سال‌هایی که به منبر می‌رفته، بیان کرده است. تقریباً تمام این مجالس به سال‌های پیش از آشنایی مولانا با شمس مربوط می‌شود و به همین دلیل، برای تحقیق در سرگذشت روحی مولانا بسیار سودمند است.

«فیه‌ما فیه» مجموعه‌ی سخنانی است که مولانا در مجالس خویش می‌گفته و مریدان می‌نوشته‌اند.

۸۹-

(قارح از کشور، ۸۷، صفحه‌ی ۱۵۰ کتاب درسی)

الهی‌نامه: مجموعه‌ای است از قصه‌های گوناگون کوتاه و مبتنی بر گفت و شنود پدری با پسران جوان خود که بیهوده در جست‌وجوی چیزهایی برآمده‌اند که حقیقت آن‌ها با آنچه عامه‌ی مردم از آن‌ها می‌فهمند، تفاوت دارد.

۹۰-

(کنگور سراسری، ۹۱، صفحه‌ی ۱۳۴ و ۱۳۵ کتاب درسی)

«طریق‌التحقیق»، مثنوی‌ای از سنایی به وزن و شیوه‌ی حدیقه است که سرودن آن در سال ۵۲۸ تمام شده است.

«سیرالعباد الی المعاد»، شامل حدود هفتصد بیت است و در آن به طریق تمثیل، از خلقت انسان و نفوس و عقل‌ها و موضوعات اخلاقی دیگر سخن رفته است.

تاریخ ایران و جهان (۱)

۹۱-

(علی‌مهمر کریمی، صفحه‌ی ۱۱۳ و ۱۱۶)
منتقدان خلیفه‌ی سوم (عثمان بن عفان) انگیزه‌های متفاوتی داشتند، برخی مانند ابوذر غفاری و عمار یاسر نگران فراموش شدن دین و از میان رفتن سنت‌های نبوی بودند و برخی مانند طلحه و زبیر امتیازاتی برابر با اشرافیت اموی می‌خواستند. سستی و زبونی کوفیان در برابر وسوسه‌های جاسوسان و حيله‌گری‌های یاران معاویه نه تنها موجب ناکامی امام علی (ع) در جنگ صفین گردید که سپاه امام حسن (ع) را نیز در جنگ سابط در آستانه‌ی شکست قرار داد.

۹۲-

(علی‌مهمر کریمی، صفحه‌ی ۱۱۳ و ۱۱۴)
نخستین اقدام حکومتی امام علی (ع) پس از قبول خلافت، عزل والیان و استانداران دوره‌ی عثمان بود. آن حضرت سپس به توزیع عادلانه‌ی ثروت‌های عمومی و احیای روش حکومتی پیامبر (ص) و توسعه‌ی عدالت اجتماعی پرداخت. قاعدین (برجای نشستگان) با گوشه‌گیری و انزواطلبی خود در واقع جبهه‌ی امتیازطلبان و اشرافیت مال‌اندوز را تقویت و جبهه‌ی حق را تضعیف کردند.

۹۳-

(امیر حسین قریانی‌منفر، صفحه‌ی ۱۱۸ و ۱۱۹)
عبارت اول (نادرست) ← در دوران خلیفه‌ی اول، معاویه فرزند ابوسفیان (نه ابوسفیان) با سپاه اسلام عازم فتح شام شد. عبارت دوم (درست) عبارت دوم (درست)
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: عبارت اول (درست) - عبارت دوم (نادرست) ← براساس تفسیر جبرگرایانه‌ی دین و فریب افکار عمومی، تحولات سیاسی و اجتماعی، تقدیر یا مشیت خدا تلقی گردیده، مبارزه و مخالفت با حکومت‌های ناصالح خلاف تقدیر و مشیت خداوند شمرده می‌شد.

گزینه‌ی «۳»: عبارت اول (نادرست) ← در دوره‌ی خلافت معاویه، فتوحات خارجی ادامه یافت و مسلمانان قبرس را فتح کردند. عبارت دوم (نادرست) ← در واقع خلافت امویان تداوم تفکر جاهلی در بستر جامعه‌ی اسلامی بود.
گزینه‌ی «۴»: عبارت اول (درست) - عبارت دوم (درست)

۹۴-

(بهناز آرون، صفحه‌ی ۱۱۹ و ۱۲۳)
الف) جذب و استخدام افراد حيله‌گر از شیوه‌های معاویه برای دستیابی به اهدافش بود.
ب) عبدالملک با کمک حجاج بن یوسف ثقفی تمامی مدعیان خلافت را از میان برداشت.
ج) قیام مختار نخستین صحنه‌ی حضور گسترده‌ی ایرانیان در یک جنبش ضد اموی بود.

۹۵-

(مهمر علی‌کاظم نظری، صفحه‌های ۱۲۰، ۱۲۲ و ۱۲۵)
اعراب مهاجر، به واسطه‌ی اختلافات قومی و قبیله‌ای از وحدت و یکپارچگی لازم برخوردار نبودند.

پس از یزید، پسرش معاویه‌ی دوم به حکومت رسید و به نکوهش از رفتار گذشته‌ی خاندان اموی پرداخت. امام حسین (ع) برای در امان ماندن از دسیسه‌های کارگزاران یزید عازم مکه گردید. آن حضرت قصد داشت از فرصت حج استفاده کرده، شرایط نامطلوب جامعه و حکومت اسلامی را برای عموم حج‌گزاران تشریح نماید.

۹۶-

(مهمر علی‌کاظم نظری، صفحه‌ی ۱۲۷ تا ۱۳۱)
الف) اولین خلیفه‌ی عباسی: ابوالعباس سفاح که در مسجد کوفه رسماً بر مسند خلافت نشست.
ب) دومین خلیفه‌ی عباسی: منصور، طی بیست سال حکومت خود با شکست رقیبان و مخالفان، پایه‌های دولت عباسیان را مستحکم ساخت و ۳۵ خلیفه‌ی بعدی همگی از نسل او هستند.
ج) منصور: در زمان وی دماوند و طبرستان فتح شد.
د) مأمون: جلب پشتیبانی بیش‌تر ایرانیان؛ زیرا مردم ایران گرایش و ارادت خاصی به خاندان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) داشتند.

۹۷-

(رؤیا رحمانی، صفحه‌ی ۱۳۱ و ۱۳۴)
اقدام مأمون در نزدیک شدن به ایرانیان و انتصاب امام رضا (ع) به ولایتعهدی، اعتراض و خشم شدید خاندان عباسی را در بغداد برانگیخت و برای خروج از این تنگنا دست به اقدامات جدیدی زد: ۱- انتقال مقر خلافت از مرو به بغداد ۲- صدور دستور قتل وزیر ایرانی خود ۳- مسموم و شهید کردن امام رضا (ع). قیام زید از فرزندان امام سجاد (ع) و همراهی سادات حسنی با عباسیان برای مبارزه با خلافت اموی از جمله شیوه‌ی مبارزات سیاسی قهرآمیز و جنبش‌های مسلحانه‌ی رهبران علوی برای مقابله با قدرت‌های حاکم (اموی و عباسی) بود.
پدید آمدن حکومت‌های رقیب مانند خوارزمشاهیان و اسماعیلیان در ایران از جمله مشکلات و دشواری‌هایی بود که خلافت عباسی را دچار انحطاط کرد.

۹۸-

(رؤیا رحمانی، صفحه‌های ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹ و ۱۴۰)
تشریح عبارت‌های نادرست:
ب) واکنش ایرانیان در برابر رفتار توهین‌آمیز و فخرفروشی قومی بنی‌امیه، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشت. در بعد اجتماعی و فرهنگی، گروهی از عالمان، شاعران و نویسندگان ایرانی با استناد به آیات قرآن، هرگونه برتری‌جویی قومی را مردود و ناورا دانستند. اما شماری دیگر، با مقایسه‌ی زندگی ایرانیان باستان و زندگی اعراب در عصر جاهلیت، به تاریخ و فضائل فرهنگی و تمدنی خود تفاخر کردند. اینان به شعوبیان معروف شدند.
ج) شورش‌های سننباد، استادسیس و مقتع و جنبش بابک خرم‌دین از جمله شورش‌های مخالف خلافت، تلفیقی از افکار و عقاید زردشتی، مزدکی، بودایی و اسلامی بود.

۹۹-

(علی‌مهمر کریمی، صفحه‌ی ۱۳۸ و ۱۳۹)
در جریان ورود مسلمانان به ایران، بیش‌تر ایرانیان بر دین خود باقی ماندند و به‌عنوان اهل ذمه شناخته شدند؛ روابط آنان با مسلمانان بر مبنای صلح‌نامه‌ها تنظیم گردید. با روی کار آمدن بنی‌عباس، ایرانیان فرصت یافتند در دستگاه خلافت نفوذ کنند و امور کشوری و لشکری را در اختیار بگیرند. بدین ترتیب به تدریج دوگانگی و تمایز «عرب - موالی» کم رنگ شد.

۱۰۰-

(علی‌مهمر کریمی، صفحه‌ی ۱۴۱)
سکونت گسترده‌ی اعراب مسلمان در ایران، تأثیر بسزایی بر آشنایی ایرانیان با دین اسلام گذاشت. ایرانیان با پذیرش اسلام، بسیاری از عناصر فرهنگی و تمدنی خود را هم‌چنان حفظ کردند.



مغرافیای (۱)

۱۰۱-

(علی‌مفید کریمی، صفحه‌ی ۸۴ و ۸۶)

بارندگی شدید و کوتاه در مناطق خشک موجب وقوع سیل می‌شود. و خشک‌سالی ممکن است در هر نوع اقلیمی اعم از خشک تا مرطوب حاره‌ای و حتی مناطق نزدیک قطب نیز رخ بدهد.

۱۰۲-

(علی‌مفید کریمی، صفحه‌ی ۷۹ و ۸۱)

تجزیه‌ی مواد پرتوزا مانند اورانیوم در داخل زمین سبب تجمع انرژی در زمین می‌شود که گاهی در محل تماس دو پوسته یا گسل‌ها، انرژی جمع شده، امکان آزاد شدن می‌یابد و کمربند اطراف اقیانوس هند از مناطق مهم زلزله‌خیز جهان نمی‌باشد.

۱۰۳-

(پوناز آرون، صفحه‌های ۸۱، ۸۴ و ۹۲)

پدید آمدن لکه‌های خورشیدی از علت‌های خشکسالی است نه از علائم پیش‌بینی زلزله. شیب دامنه در سرعت حرکت آب اهمیت دارد. هر چه شیب کم‌تر باشد، سرعت حرکت آب نیز کم‌تر است. (رابطه‌ی مستقیم)

۱۰۴-

(امیرحسین قریانی‌منفرد، صفحه‌ی ۹۳)

تصاویر صورت سؤال به ترتیب نشان‌دهنده‌ی اقدامات انسان برای کاهش خطر خشکسالی و مقابله با خطر بهمن می‌باشد.
تصویر الف: احداث سد روشی برای کاهش خطر خشک‌سالی.
تصویر ب: بهمن‌گیر راهی برای مقابله با خطر بهمن.

۱۰۵-

(شیوا شریف‌زار، صفحه‌ی ۸۹ تا ۹۱)

بهترین زمین‌های کشاورزی، زمین‌هایی هستند که دارای رسوبات سیلابی رودخانه‌ها هستند و نیز بهترین ماده برای تقویت زمین‌های کشاورزی، خاکستر آتش‌فشانی است. یکی از مهم‌ترین فواید پوشش گیاهی آن است که احتمال وقوع سیل را کاهش می‌دهد.

۱۰۶-

(امیرحسین قریانی‌منفرد، صفحه‌ی ۹۷)

در قرن نوزدهم، ظهور راه‌آهن تحول عظیمی در حمل و نقل به وجود آورد. پس از آن، با اختراع اتومبیل و گسترش راه‌ها و آسفالت‌شدن آن‌ها و پیدایش بزرگراه‌ها، حمل و نقل و جابه‌جایی سریع‌تر و آسان‌تر شد و راه‌های آبی نیز توسعه یافت و بالاخره با ظهور هواپیما در قرن بیستم، امکان مسافرت به نواحی دوردست را میسر ساخت.

۱۰۷-

(فاطمه سقائی، صفحه‌ی ۹۷ و ۹۹)

تنها عبارت‌های «ج» و «د» صحیح هستند. عبارت‌های «الف»، «ب» و «ه» نادرست هستند.

دلایل نادرستی عبارت‌های دیگر:

«الف»: فعالیت گردشگری در گروه فعالیت‌های نوع سوم، یعنی خدمات، طبقه‌بندی می‌شود و جزء فعالیت‌های نوع دوم، یعنی صنعتی و کارخانه‌ای نیست.

«ب»: در کشور ایران در گذشته کلمه‌ی سیاح به کسانی گفته می‌شد که با هدف و منظور خاصی دست به سفر می‌زدند.

«ه»: به درآمدهای حاصل از گردشگری در یک کشور «صادرات نامرئی» گفته می‌شود.

۱۰۸-

(فاطمه شهریاری، صفحه‌ی ۱۰۰)

آب و هوا یکی از مهم‌ترین عوامل جذب گردشگری تفریحی در سواحل دریای مدیترانه است و کشورهای اتریش و سوئیس از مهم‌ترین مراکز توریسم زمستانی اروپا محسوب می‌شوند.

۱۰۹-

(آزر مسموری، صفحه‌ی ۱۰۱ و ۱۰۲)

آکروپولیس در یونان، قصرالحمرا در اسپانیا و شهر آگرا در هند قرار دارد.

۱۱۰-

(پوناز آرون، صفحه‌ی ۱۰۰ تا ۱۰۲)

شهر مکه حوزه‌ی نفوذی در مقیاس جهانی دارد و ترکیه سالیانه میلیون‌ها گردشگر را می‌پذیرد و تصمیم دارد گردشگری را هر چه بیش‌تر گسترش دهد. در ایالت فلوریدای آمریکا جاذبه‌های طبیعی و جاذبه‌های ساخته‌ی دست انسان در هم آمیخته‌اند و این ناحیه را به عنوان یکی از مهم‌ترین کانون‌های جلب گردشگر دنیا در آورده‌اند.



جامعه‌شناسی (۱)

۱۱۱-

(آرزو مهرابا، صفحه‌ی ۴۶)

مهم‌ترین و اصلی‌ترین تفاوت جهان اجتماعی با موجودات زنده در این است که جهان اجتماعی پدیده‌ای ارادی و اعتباری است؛ ولی موجود زنده، پدیده‌ای تکوینی است.

۱۱۲-

(امیرمسین قریانی‌منقر، صفحه‌ی ۴۴ و ۴۵)

موجودات جهان طبیعی را به زنده و غیرزنده تقسیم کرده‌اند و اعضای موجود زنده به یک‌دیگر وابسته‌اند و اغلب نمی‌توانند به صورت مستقل تداوم یابند و هر یک از آن‌ها برخی از نیازهای اعضای دیگر را تأمین می‌کند.

۱۱۳-

(بهناز آرون، صفحه‌های ۴۵، ۴۶ و ۴۸)

هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل کند، جهان اجتماعی آن فرو می‌ریزد یا دگرگون می‌شود.

۱۱۴-

(آرزو مهرابا، صفحه‌ی ۵۴)

عقاید و ارزش‌ها در لایه‌های عمیق قرار می‌گیرند. عمیق‌ترین لایه‌ی اجتماعی، عقاید کلانی هستند که بر آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. باور و اعتقادی که انسان نسبت به اصل جهان و جایگاه انسان در آن دارد و تفسیری که از زندگی و مرگ خود دارد، عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی‌اند.

۱۱۵-

(کتاب آبی، صفحه‌ی ۵ کتاب درسی)

گزینهِ «۴»: میزان بیش‌تری از خُرد بودن این رابطه را نشان می‌دهد. تدریس خصوصی یک کنش بیرونی است که جنبه‌ی عینی دارد و از طرف دیگر یک کنش اجتماعی، بین دو فرد است و در حیطه‌ی کنش‌های خرد قرار می‌گیرد. با توجه به این‌که نقطه‌ی مشخص در نمودار، نقاط بالای نمودار «خرد» را قطع کرده، لذا کنش اجتماعی محدود است و «تحقیقات گروهی» را شامل نمی‌شود.

تشریح گزینهِ‌های دیگر:

گزینهِ «۱»: فرهنگ در کنار آرمان‌ها، عقاید و ارزش‌های اجتماعی جای دارد که اشاره به ذهنی بودن می‌کند.

گزینهِ «۲»: آزادی بیان همانند عدالت اجتماعی، مفهومی ذهنی است.

گزینهِ «۳»: تحقیقات گروهی، هم عینی است و هم خرد، اما با توجه به این‌که نقطه‌ی مشخص در بالای نمودار ظاهر شده است، گزینهِ چهارم، میزان بیش‌تری از خرد بودن این رابطه را نشان می‌دهد.

۱۱۶-

(آزیتا بیرقی، صفحه‌ی ۵۷ و ۵۸)

انسان‌هایی که در مکان‌ها و زمان‌های گوناگون زندگی می‌کنند، همکاری و تعامل اعضای بدن آن‌ها مشابه و یکسان است، برای مثال، خون در رگ‌های همه با ضربان قلب جریان پیدا می‌کند. ریه اکسیژن هوا را جذب می‌کند و ... اما انسان‌ها کنش‌های اجتماعی مختلفی دارند و در جهان‌های مختلفی زندگی می‌کنند.

۱۱۷-

(امیرمسین قریانی‌منقر، صفحه‌ی ۵۹ و ۶۰)

تفاوت‌های فراوانی در جهان اجتماعی وجود دارد و تغییرات بسیاری درون آن رخ می‌دهد اما با هر یک از این تغییرات، جهان اجتماعی جدیدی به وجود نمی‌آید.

۱۱۸-

(آزیتا بیرقی، صفحه‌ی ۶۶)

قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی با آن‌که محدودیت‌هایی به وجود می‌آورد، عمل کردن به آن‌ها، فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

هر بخش از جهان اجتماعی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد و هر جهان اجتماعی نیز براساس عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های مربوط به خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی را برای انسان پدید می‌آورد.

۱۱۹-

(مهم‌علی کاظم‌نظری، صفحه‌ی ۶۷ و ۶۸)

موارد «الف»، «ب» و «ت» نادرست هستند.

علت نادرستی عبارت‌ها:

الف: منظور از افسون‌زدایی از جهان، معنازدایی و تقدس‌زدایی است.

ب: عقلانیت ذاتی زوال می‌یابد نه بسط و توسعه.

ت: در زوال عقلانیت ذاتی، سطحی از عقلانیت که درباره‌ی ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهداف زندگی به تأمل می‌پردازد.

۱۲۰-

(مهم‌علی کاظم‌نظری، صفحه‌ی ۶۵)

جهان اجتماعی از بستر اعتبار و خواسته‌های آدمیان پدید می‌آید و این پدیده، پس از آن‌که با کنش و رفتار انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال می‌آورد که به اعتبار و اراده‌ی ما نیست؛ البته این پیامدها، موقعیت جدیدی برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما به وجود می‌آورد.



آمار و مدل‌سازی

۱۲۱-

«معمومه گراتی»

ابتدا داده‌ها را مرتب می‌کنیم:

۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۳، ۲۷

$a =$ کوچک‌ترین داده $= 10$ و $e =$ بزرگ‌ترین داده $= 27$

چون تعداد داده‌ها فرد است، میانه برابر داده‌ای است که در وسط قرار می‌گیرد پس $c = 15$.

میانه‌ی نیمه‌ی اول داده‌ها برابر ۱۲ و میانه‌ی نیمه‌ی دوم داده‌ها برابر ۲۳ است. پس $d = 23$ و $b = 12$.

$$\frac{a+c}{b+d} = \frac{10+15}{12+23} = \frac{25}{35}$$

(صفحه‌های ۱۱۶ تا ۱۲۱ کتاب درسی)

۱۲۲-

«الهام فور شیری»

اگر b بزرگ‌ترین و a کوچک‌ترین داده باشد، داریم:

همه‌ی داده‌ها با هم برابرند $\Rightarrow b - a = 0 \Rightarrow R = 0$

$$x_1 + \dots + x_{10} = 60 \Rightarrow x_i = \frac{60}{10} = 6 \quad (i = 1, \dots, 10)$$

چون همه‌ی داده‌ها برابر ۶ هستند پس میانه نیز همان ۶ است.

$$\bar{x} = \frac{x_1 + \dots + x_{10}}{n} = \frac{60}{10} = 6$$

(صفحه‌های ۱۱۶ تا ۱۱۸ و ۱۲۵ کتاب درسی)

۱۲۳-

«فسن نصرتی تاهوک»

$$\bar{x} = \frac{60 + 70 + 80 + 110 + x}{5} = \frac{320 + x}{5}$$

مد $x \Rightarrow$ مد منحصر به فرد است.

$\bar{x} = x \Rightarrow$ میانگین با مد برابر است.

$$x = \frac{320 + x}{5} \Rightarrow 5x = 320 + x \Rightarrow x = 80$$

(صفحه‌های ۱۱۴ تا ۱۱۸ و ۱۲۵ تا ۱۲۹ کتاب درسی)

۱۲۴-

«همیرضا سپهری»

$$\bar{x} = \frac{x_1 + \dots + x_n}{n} = \frac{3 + 6 + (a-2) + 4 + 2a}{5} = 4$$

$$\frac{3a + 11}{5} = 4 \Rightarrow 3a + 11 = 20 \Rightarrow 3a = 9 \Rightarrow a = 3$$

\Rightarrow مد داده‌ها $\rightarrow 6$ و 4 و 1 و 3 : داده‌ها

داده‌ای که بیش‌ترین فراوانی را دارد، مد نامیده می‌شود.

(صفحه‌های ۱۱۵ و ۱۲۵ کتاب درسی)

۱۲۵-

«همیرضا سپهری»

ابتدا داده‌ها را به ترتیب صعودی مرتب می‌کنیم:

$$\frac{4+5}{2} = 4.5 \Rightarrow$$
 میانه \Rightarrow تعداد داده زوج: ۸ و ۶ و ۵ و ۴ و ۳

$= 4$ داده با بیش‌ترین فراوانی = مد

$$= \frac{3+4+4+5+6+8}{6} = \frac{30}{6} = 5$$
 میانگین

$$= 5 = 8 - 3 = 5 \text{ دامنه‌ی تغییرات} = x_{\max} - x_{\min}$$

ملاحظه می‌شود که میانگین و دامنه‌ی تغییرات داده‌ها با هم برابرند.

(صفحه‌های ۱۱۳ تا ۱۲۵ کتاب درسی)

۱۲۶-

«سروش موئینی»

۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۴، ۱۵، ۱۵، ۱۶، ۱۶، ۱۷، ۱۷، ۱۹، ۱۹

اول داده‌ها را مرتب کردیم، حالا:

$$n = 15 \Rightarrow Q_2 = x_8 = 15$$

$$Q_1 = 12, Q_3 = 17$$

پس دامنه‌ی تغییرات میان چارکی برابر $Q_3 - Q_1 = 5$ است.

(صفحه‌های ۱۲۰ تا ۱۲۴ کتاب درسی)

۱۲۷-

«سروش موئینی»

۱۴ داده داریم پس میانگین داده‌های هفتم و هشتم میانه است:

$$\text{میانه} = \frac{31 + 34}{2} = 32.5$$

مد نیز برابر ۴۲ است که بیش‌ترین تکرار را دارد، پس:

$$\text{مد} - \text{میانه} = 42 - 32.5 = 9.5$$

(صفحه‌های ۱۱۴ تا ۱۱۸ کتاب درسی)

۱۲۸-

«مرتضی مسمری نژاد»

می‌دانیم اگر تعداد داده‌ها زوج باشد، میانه برابر با نصف مجموع دو داده‌ی وسط است، بنابراین داریم:

$$9 = \frac{x+10}{2} \Rightarrow 18 = x+10 \Rightarrow x = 8$$

(صفحه‌های ۱۱۶ تا ۱۱۸ کتاب درسی)

۱۲۹-

«کتاب آبی»

$$R_B = 200 - 100 = 100$$

گزینه‌ی «۱»:

$$A = 120 = \text{میانه‌ی } B \text{ و } 120 = \text{میانه‌ی } A$$

گزینه‌ی «۲»:

$$170 - 120 = 50 = (A - \text{میانه‌ی } B)$$

گزینه‌ی «۳»:

$$170 = \text{میانه‌ی } B \text{ و } 150 = \text{بزرگ‌ترین داده‌ی } A$$

بنابراین، حداقل نیمی از داده‌های گروه B مقدارشان بیش‌تر از مقدار تمام داده‌های گروه A است.

گزینه‌ی «۴»:

$$100 = A = \text{کم‌ترین داده‌ی } B$$

بنابراین، تقریباً ۲۵ درصد داده‌های گروه A مقدارشان کم‌تر از کم‌ترین داده‌ی گروه B است.

(صفحه‌های ۱۱۶ تا ۱۲۴ کتاب درسی)

۱۳۰-

«کتاب آبی»

فرض کنیم $a = 1 + 2 + \dots + 100$ ، در این صورت:

$$\bar{x}_1 = \frac{1 + (1+2 + \dots + 100)}{101} = \frac{1+a}{101}$$

$$\bar{x}_2 = \frac{(1+2 + \dots + 100) + 100}{101} = \frac{a+100}{101}$$

$$\bar{x}_2 - \bar{x}_1 = \frac{a+100}{101} - \frac{1+a}{101} = \frac{100-1}{101} = \frac{99}{101}$$

(صفحه‌ی ۱۲۵ تا ۱۲۹ کتاب درسی)